

## نقش اهل بیت در حیات جاودانه قرآن

ابراهیم کلانتری\*

### چکیده

اهل بیت، در قرآن کریم، روایت‌ها و عُرف جامعه اسلامی بر چه کسانی اطلاق می‌شود؟ و نقش آنان در حیات جاودانه قرآن چیست؟ پژوهش درباره این مسئله مجال بیشتری می‌خواهد، ولی این نوشتار می‌کوشد به طور فشرده و با استناد به منابع معتبر، به بررسی اجمالی آن بپردازد.

بی‌تردید، این مسئله از آغاز پیدایی مباحث تفسیری و کلامی در جهان اسلام همواره مورد توجه اندیشمندان این حوزه‌ها بوده‌است، ولی اهمیت آن در اندیشه اسلامی به ویژه در عصر حاضر چنان است که امکان پژوهش‌های بسیار درباره آن وجود دارد.

در این نوشتار، روشن می‌شود که اهل بیت تنها بر گروه اندکی از خاندان پیامبرگرامی اسلام اطلاق می‌گردد که بنا بر صراحت بیان آن حضرت، میان آنان و قرآن پیوندی همیشگی برقرار است. این پیوند ابدی، جایگاه ویژه‌ای را برای اهل بیت در کنار قرآن رقم زده است که اگر به دقت بررسی شود، ره آورد ارجمندی را در باره حیات جاودانه قرآن در پی خواهد داشت. نگارنده می‌کوشد تا با این رویکرد، به مطالعه پیوند قرآن و اهل بیت بپردازد.

**واژگان کلیدی:** اهل بیت، قرآن، حیات جاودانه، پیوند قرآن و اهل بیت.

\*استادیار دانشگاه الزهرا

تاریخ دریافت: ۸۶/۸/۳ تاریخ تایید: ۸۶/۸/۱۴

در برخی از آیات قرآن و نیز در بیان پیامبر گرامی اسلام از گروهی با عنوان «اهل بیت» یاد شده است که از هرگونه پلیدی پاک‌اند و فضیلت‌ها و موقعیت ویژه‌ای را در اسلام دارند. از جمله فضیلت‌هایی که پیامبر برای این گروه برشمرده و بدان اصرار ورزیده است، پیوند ابدی آنان با قرآن کریم است.

این پیوند که بنابه سخن صریح پیامبر اگر مورد توجه مسلمانان قرارگیرد، نجات‌بخش امت اسلامی از گمراهی‌ها خواهد بود، جایگاه ویژه‌ای را برای اهل بیت در کنار قرآن رقم می‌زند این نوشتار می‌کوشد تنها به یک مسئله از ده‌ها مسئله‌ای که در موضوع اهل بیت و اسلام وجود دارد، پردازد و آن تبیین نقش اهل بیت در حیات جاودانه قرآن است.

نگارنده خواهد کوشید با مراجعه به منابع اصیل دینی و تحلیل آموزه‌های اسلامی و اسناد و مدارک دیگر به تبیین موضوع پردازد و جنبه‌های مختلفی از آن را در معرض داوری و نقد منصفانه پژوهشگران دینی قراردهد. پیش از ورود به موضوع، برخی مباحث مقدماتی به اختصار طرح خواهد شد.

## ریشه شناسی مفهوم اهل بیت و عترت

ابن منظور، «اهل‌البیت» را به معنی ساکنان خانه دانسته است؛ همان گونه که «اهل الرجل» را به معنی نزدیک‌ترین افراد به وی و در جای دیگر، به «عشیره» و نزدیکان وی معنا کرده است. (ابن منظور، ۱۹۹۶م: ماده اهل)

راغب اصفهانی در ذیل ماده «اهل» می‌گوید:

«اهل الرجل» در اصل به کسانی اطلاق می‌شود که به همراه او در یک مسکن زندگی می‌کنند. سپس به صورت مجاز، به کسانی اطلاق شده است که با وی در نسب مشترک‌اند.

(راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ماده اهل)

فیروزآبادی در ذیل همین ماده چنین می‌گوید:

اهل الرجل عبارتند از خانواده و نزدیکان وی که جمع آن «اهلون»، «اهال»، «آهال» و «اهلات» است ... و اهل‌البیت عبارتند از ساکنان خانه ... (فیروزآبادی، بی‌تا: فصل الهمزه

و الباء، باب اللام، ذیل ماده اهل)

بنابراین، واژه «اهل» به معنای گروهی است که به سبب اشتراک در امر معینی، اعم از

مادی یا معنوی، میان آنها نوعی انتساب پدید آمده است. این اشتراک معین، با مضاف‌الیه «اهل» تعیین می‌گردد.

بر این اساس، «اهل البیت» به گروهی اطلاق می‌گردد که به سبب اشتراک در انتساب به شخص معین و یا سکونت در منزل معینی، میان آنان نوعی انتساب پدید آمده است. همچنین «الف و لام» عهد در مضاف الیه اهل [البیت]، یاد آور بیت معین، یعنی خانه پیامبر اسلام است. (طبرسی، بی تا: ج ۸، ص ۵۵۸)

از این رو، «اهل البیت» مترادف با «اهل بیت النبی» شناخته می‌شود. به همین سبب، کاربرد «اهل البیت» به صورت مطلق در عرف رایج مسلمانان، از صدر اسلام تاکنون، ویژه خاندان پیامبر بوده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ذیل واژه اهل) این واژه در فارسی با حذف «الف و لام» و به صورت «اهل بیت» استعمال می‌شود.

لغت شناسان، واژه «عترت» را نیز با واژه «اهل بیت» هم معنا دانسته‌اند. ابن منظور می‌گوید: «عترت مرد همان نزدیکان او از پسر و غیر پسر هستند» (ابن منظور، ۱۹۹۶م: ذیل واژه عترت) وی در ادامه، پس از نقل حدیث ثقلین از پیامبر است می‌گوید: بنا به برخی از نقل‌ها، پیامبر در آن حدیث فرموده: اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمُ الثَّقَلِیْنِ، کِتَابَ اللّٰهِ وَ عَتْرَتِیْ اَهِلِّ بَیْتِیْ؛ پس پیامبر عترت را با اهل بیت یکی دانسته است. (همان) ابن منظور در ادامه همین گفتار به نقل از ابن اعرابی می‌گوید:

فَعِترَةُ النَّبِیِّ وَوَلَدُ فَاطِمَةَ الْبَتُولِ . (همان)

فراهِیدی نیز در بیان معنای عترت سخنی مشابه سخن ابن منظور دارد. وی می‌گوید: وَ عِترَةُ الرَّجْلِ اَقْرَبَاؤُهُ مِنْ وُلْدِهِ وَ وُلْدُ وُلْدِهِ وَ بَنِیْ عَمِّهِ دُنْیَاً. (فراهِیدی، ۱۴۲۵ق: ذیل واژه عترت)

## کاربرد «اهل البیت» در قرآن

در قرآن کریم، واژه «اهل البیت» تنها در دو آیه شریفه به کار رفته است: الف: قَالُوا اَتَعْبِیْبِیْنَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ رَحْمَةً اللّٰهِ وَبَرَکَاتِهِ عَلَیْكُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ اِنَّهُ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ. (هود (۱۱): ۷۳) [فرشتگان به همسر ابراهیم] گفتند: آیا از کار خدا تعجب می‌کنی، رحمت و برکات خداوند بر شما خاندان ابراهیم است؛ زیرا خداوند بسیار ستوده و بزرگواری است. اِنَّمَا یُرِیْدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیْرًا. (احزاب (۳۳): ۳۳) بی‌گمان، خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما خاندان پیامبر دور کند و کاملاً

شما را پاک سازد.

آیه اول درباره ابراهیم خلیل و خاندان آن حضرت است که در آیه‌های پیش و پس از آن، داستان نزول فرشتگان بر آن حضرت و بشارت تولد حضرت اسحاق و در پی آن تعجب همسر پیر ابراهیم مطرح شده است. آیه دوم که به آیه تطهیر شهرت دارد، بنا به نظر همه مسلمانان، به خاندان پیامبر اسلام اختصاص دارد. (طبرسی، همان)

براساس این آیه و حصری که در آن است، خداوند بزرگ هر گونه ناپاکی را از اهل بیت پیامبر دور ساخته است.

### کیستی اهل بیت پیامبر

برای شناخت دقیق اهل بیت پیامبر، تنها راه مراجعه به روایت‌های اسلامی است. براساس این آموزه‌ها، اهل بیت به پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین اختصاص دارد.

جلال‌الدین سیوطی در تفسیر روایی خود، بسیاری از این روایت‌ها را با اسناد مختلف از صحابه پیامبر آورده است. (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ج ۶، ص ۵۳۳ - ۵۳۵)

طبرسی نیز در روایت‌های بسیاری را از ابوسعید خدری، انس بن مالک، واثله بن اسقع، عایشه، ام سلمه، جابر و حسن بن علی نقل می‌کند که همگی با صراحت به بیان همین مطلب پرداخته‌اند. (طبرسی، بی تا: ج ۸، ص ۵۵۹ و ۵۶۰) در یکی از این روایت‌ها آمده است:

عن ابی سعید الخدری، عن النبی، قال: نزلت هذه الآية فی خمسة فیّ و فی علی و حسن و حسین و فاطمة (همان: ص ۵۵۹)

پیامبر فرمود آیه تطهیر درباره پنج نفر نازل شده است من، علی، حسن، حسین و فاطمه.

طبرسی پس از نقل چندین روایت با همین مضمون، می‌گوید:

روایت‌ها در این زمینه بسیار است که هم از طریق اهل سنت و هم از طریق شیعه رسیده است و اگر بخواهیم همه آن‌ها را بیاوریم، کتاب به درازا می‌کشد. (همان: ص ۵۶۰)

علامه طباطبایی نیز در ذیل آیه تطهیر بسیاری از این روایت‌ها با اسناد گوناگون می‌آورد و می‌گوید:

روایات وارده در این خصوص از طریق اهل سنت فراوان است و همچنین از طریق شیعه، هر کس می‌خواهد بر آنها مطلع شود به غایة المرام بحرانی و عبقات الابرار مراجعه نماید.

(طباطبایی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص ۳۱۹)

علامه مجلسی نیز روایت‌های فراوانی در این زمینه آورده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۵)

فراوانی روایت‌ها در این زمینه چنان است که برای پژوهشگر منصف تردیدی در نزول آیه شریفه در شأن والا و فضیلت بی‌مانند پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین باقی نمی‌گذارد. البته در کتاب‌های حدیثی و تفسیری، روایت‌های دیگری نیز دیده می‌شود که به تبیین مصادیق اهل بیت پیامبر پرداخته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۳، باب فضایل اهل بیت) بر اساس این روایت‌ها، افزون بر اصحاب کساء [پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین] نه امام معصوم از فرزندان حسین نیز در زمره اهل بیت پیامبر قرار می‌گیرند. پیامبر گرامی گاهی از این گروه با واژه «اهلی»؛ (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ج ۶، ص ۵۳۳)\*، گاهی نیز با واژه «اهل بیته» (همان: صص ۵۳۲ - ۵۳۴)، گاه با واژه «عترتی» (صدوق، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۲۲۱) و در پاره‌ای موارد با ترکیب «عترتی، اهل بیته» از آنان یاد کرده است. (مجلسی، همان: ج ۲۳، ص ۱۰۶)

عیاشی در ذیل آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ. (نساء (۴): ۵۹)

روایتی طولانی را به نقل از ابوبصیر از امام باقر نقل می‌کند که بر اساس آن، مصداق‌های «اولی الامر» در این آیه، با مصادیق «اهل بیت» در آیه تطهیر یکسان‌اند. این روایت، با یادآوری آنچه از پیامبر در تعیین مصداق‌های دو آیه و برخی آیات دیگر رسیده است، «دوازده امام معصوم» را مصداق قطعی «اولی الامر» و «اهل البیت» شمرده است. بر اساس همین روایت، پیامبر گرامی اسلام از این گروه، با واژه‌های «اهل بیته»، «ثقلی»، «اهلی» یاد کرده است. (عیاشی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۷۶ و ۲۷۷) بنابر برخی روایت‌های منقول در ذیل آیه «اولی الامر»، پیامبر از اولین تا آخرین این گروه را برای برخی از اصحاب خود نام برده است. (همان، ص ۲۸۰)

## پیوند قرآن و اهل بیت در نگاه پیامبر

پیامبر گرامی اسلام فضیلت‌های بسیاری را برای اهل بیت خود برشمرده است که بر اساس آن‌ها، اهل بیت در جایگاه بی‌بدیلی در میان امت اسلامی قرار می‌گیرند. از جمله، مهم‌ترین این فضیلت‌ها، هم‌سنگ قرار دادن اهل بیت با قرآن و پیوند ناگسستنی آن دو تا

\* این روایت را ابن جریر، حاکم و ابن مردویه از سعد نقل کرده‌اند.

قیامت است. بنا به روایتی که شیعه و اهل سنت بر اعتبار و صحت آن اتفاق نظر دارند و به «حدیث ثقلین» معروف است، پیامبر اسلام فرموده است:

انی قد ترکْتُ فیکم الثَّقَلین، ما ان تمسکتُم بهما لن تَضِلُّوا بعدی، و احدهما اکبر من الآخر: کتاب الله حبلاً ممدودٌ مِنَ السَّمَاءِ الی الأَرْضِ و عترتی اهل بیتی، الا و انهُما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۳، ص ۱۰۶)

من در میان شما دو شیء گران بها به جا نهادم که اگر بدانها تمسک جویند، هرگز پس از من به بی راهه نخواهید رفت؛ یکی از آن دو، از دیگری بزرگتر است: کتاب خدا (قرآن) که ریسمان آویخته‌ای است از آسمان به زمین و عترت من، اهل بیتم. آگاه باشید که آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آنکه کنار حوض بر من وارد شوند.

این حدیث را بسیاری از صحابه برجسته پیامبر از آن حضرت نقل کرده‌اند و به صورت متواتر از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. (بلاغی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱) بیشتر مسندها، جوامع حدیثی و کتاب‌های فضایی که اهل سنت نگاشته‌اند، از آغاز عصر نگارش حدیث تاکنون، حدیث ثقلین را از یک صحابی پیامبر و یا بیشتر نقل کرده‌اند. برخی از این آثار، حدیث یاد شده را از بیش از بیست صحابی نقل کرده‌اند؛ حال یا به صورت مجمل، آن گونه که ابن حجر در *الصواعق المحرقة* آورده است و یا به صورت مسند و مفصل، به گونه‌ای که سخاوی، سیوطی، سمهودی و دیگران آورده‌اند. (همان: ص ۱۰۱)

توجه در متن حدیث و سندهای آن نشان می‌دهد که پیامبر اسلام این سخن را در مناسبت‌های مختلف بر اصحاب و پیروان خود عرضه داشته و آنان را از اهمیت پیوند ناگسستنی قرآن و اهل بیت خود آگاه ساخته است. ابن حجر هیتمی از عالمان برجسته اهل سنت در این زمینه می‌گوید:

حدیث یاد شده طرق بسیاری دارد. بیست و چند نفر از صحابه آن را روایت کرده‌اند برخی از آنان این حدیث را در سفر *حجة الوداع* و در روز عرفه از وی شنیده و نقل کرده‌اند. برخی آن را در زمان بیماری پیامبر و در حضور جمع زیادی از صحابه نقل کرده‌اند. گروهی دیگر آن را در ماجرای بزرگ و فراموش ناشدنی غدیر خم از پیامبر شنیده‌اند و سرانجام گروهی دیگر گفته‌اند پیامبر پس از بازگشت از طایف، خطبه‌ای ایراد کرد و در آن حدیث ثقلین را بیان فرمود. (هیشمی، بی تا: ص ۱۵۰)

اهمیت حدیث ثقلین بیش از هر چیز در هم سنگ قرارگرفتن اهل بیت و قرآن در زبان پیامبر اسلام است. تعبیر پیامبر از قرآن و اهل بیت به «ثقلین»، نشانه بزرگی قدر و

بلندی جایگاه آن دو در حیات اسلام است. (ابن منظور، ۱۹۹۶م: ج ۱، ذیل ماده ثقل) براساس این روایت، مصون ماندن امت اسلامی از هرگونه انحراف در عصر خاتم، در گرو جنگ یازیدن به قرآن و عترت است و این دو تا قیامت، پاسخ گوی نیازهای معرفتی آدمیان خواهند بود.

## فلسفه پیوند قرآن و اهل بیت

پیوند قرآن و اهل بیت از پشتوانه وحیانی دقیقی برخوردار است که اندیشه در پاره ای از آیات قرآن آن را به نیکی آشکار می کند. بر اساس برخی آیات قرآن که درباره وحی و نبوت به صراحت سخن گفته اند، وحی آسمانی در همه دوره‌های تاریخی خود با دو ویژگی همراه بوده است. ویژگی نخست اینکه همواره وحی با زبان و لغت قابل فهم پیامبران و مخاطبان وحی نازل شده است؛ دوم اینکه در کنار وحی، همواره حضور یک عنصر انسانی قابل اعتماد و آگاه به دقایق کلام خداوند ضرورت داشته است تا افزون بر دریافت و ابلاغ وحی، مسئولیت تبیین و تعلیم جنبه‌های گوناگون وحی را در حیات دنیوی و اخروی آدمیان نیز عهده‌دار باشد. روشن‌ترین آیه قرآن در این زمینه چنین است:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ؛ (ابراهیم(۱۴): ۴)

هیچ پیامبری را جز با زبان قومش نفرستادیم تا [وحی را] برای آنان بیان کند.

قرآن درباره شخص پیامبر اسلام نیز این مسئولیت را به روشنی بیان کرده است:

وَالرُّبْرُ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ (نحل(۱۶): ۴۴)

و قرآن را بر تو نازل کردیم تا آنچه برای مردم نازل شده است بر ایشان تبیین نمایی و باشد که بیاندیشند.

قرآن در جای دیگر، مسئولیت تعلیم وحی را در کنار دیگر مسئولیت‌ها برعهده شخص

پیامبر می‌داند:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

اوست آن که در میان بی سوادان، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان

بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت را بر ایشان بیاموزد. (جمعه(۶۲): ۲)

بر اساس این آیات، وحی آسمانی هیچ گاه بدون یک عنصر انسانی برگزیده، به جامعه

انسانی عرضه نگشته است و پیامبران الهی، انسان‌های برگزیده و آگاه به دقایق وحیانی

بوده اند که افزون بر دریافت و ابلاغ وحی، مسئولیت تبیین آن را نیز برعهده داشته‌اند. اکنون با ختم نبوت، نزول وحی خاتمه یافته است، ولی اعتبار وحی قرآنی بنا به باور عموم مسلمانان تا قیامت باقی است. این جاودانگی و ابدیت قرآن در بستر زمان، از یک سو و پیدایی نیازهای جدید در عرصه حیات فردی و جمعی مؤمنان از سوی دیگر، حضور مفسران آگاه و آشنا به اسرار و ژرفای وحی را در کنار قرآن برای همه زمان‌ها ضرورت می‌بخشد. حضور چنین عناصر انسانی در کنار قرآن سبب می‌شود تا زلال آیات وحی همواره بر زندگی آدمیان نازل گردد و عصرها و نسل‌های متوالی از هدایت‌های آسمانی قرآن بی‌بهره نمانند.

پیامبر اسلام که خود راهنمای وحی الاهی بود، به زیبایی «پیوند قرآن و اهل بیت» را پاسخ‌گوی این نیاز اساسی در عصر خاتمیت دانسته است. به نظر می‌رسد راز تأکید پیامبر بر این پیوند مقدس و اعلام تکراری آن در همین نکته اساسی نهفته باشد از این رو، باید پی آمدهای آن مورد توجه قرارگیرد.

## نقش اهل بیت در جاودانگی قرآن

از رهگذر پیوند قرآن و اهل بیت چه نتایجی در زمینه جاودانگی قرآن در بستر پویای زمان به دست می‌آید؟

پاسخ روشن به این پرسش، افزون بر اینکه ما را بر نقش اهل بیت در جاودانگی قرآن آگاه می‌سازد، اهمیت این پیوند ناگسستنی و مورد تأکید پیامبر اسلام را نیز آشکار خواهد ساخت. بنابر آموزه‌های اسلامی، اهل بیت در کنار قرآن نقش بی‌بدیلی داشته‌اند و در جاودانگی قرآن در بستر زمان، اثرگذار بوده‌اند. نمادهای عینی این نقش بی‌بدیل را در ادامه این نوشتار بررسی می‌کنیم.

## تبیین درست وحی به فراخور نیازهای زمان

نخستین نتیجه‌ای که از پیوند قرآن و اهل بیت به دست می‌آید، تبیین درست آیات قرآن پس از رحلت پیامبر از سوی اهل بیت آن حضرت بود. پیش‌تر گذشت که این مسئولیت خطیر بنا به تصریح قرآن کریم در عصر حضور پیامبر، برعهده آن حضرت بود. با رحلت پیامبر گرچه نزول وحی پایان یافت، ولی امر تبیین وحی هرگز به پایان نرسید. این بدان سبب است که آیات قرآن همان‌گونه که انسان‌های عصر حضور پیامبر را مخاطب



قرار می‌دهند، انسان‌های پس از آن را نیز به گونه‌ای یکسان مخاطب خود قرار می‌دهند و این خطاب یکسان به طور منطقی، مستلزم تبیین و تشریح پیوسته است.

پیوند مستمر اهل بیت با قرآن، درحقیقت پیش‌بینی سازوکار دقیقی است که به این نیاز منطقی پاسخ شایسته می‌دهد. اگر به این سازوکار بی‌توجهی شود، آیات قرآن در عصر پس از پیامبر به گزاره‌های صامتی تبدیل خواهند شد که هرگز نمی‌توانند با نیازهای عصری مؤمنان ارتباط برقرار سازند و در عمل، از متن زندگی فردی و جمعی آدمیان برکنار خواهند ماند.

این حقیقت بنیادی، در کلام ناب امام علی به روشنی آمده است:  
 هذا کتابُ الله الصامت و انا المعبر عنه فخذوا بکتاب الله الناطق. (محمدی ری شهری، ۱۴۲۱ق: ج ۸، ص ۲۰۷)

قرآن کتاب ساکت خداوند است و من آن را تبیین می‌کنم؛ پس به کتاب ناطق خداوند تمسک جوید.

امام باقر با استناد به قرآن کریم، بر ضرورت حضور امامان معصوم پس از پیامبر گرامی برای هدایت مؤمنان به حقیقت وحی، استدلال می‌کند و می‌فرماید:  
 فی قول الله عزوجل: «انما انت منذرٌ و لكل قوم هادٍ»، فقال: رسول الله المنذر و لكل زمان منّا هادٍ یهدیهم الی ما جاء به نبی الله ، ثم الهداءُ من بعده علی ثم الأوصیاءُ واحداً واحداً. (کلینی، بی تا: ج ۱، ص ۲۷۲)

... از امام باقر درباره این آیه که همانا تو ای پیامبر بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی رهبری است. پرسیدم، امام فرمود: رسول خدا بیم‌دهنده است و در هر زمانی از ما اهل بیت رهبری است که مؤمنان را به آنچه پیامبر از سوی خدا آورده هدایت می‌کند. رهبران پس از پیامبر، نخستین آنان علی است و پس از او اوصیایش یکی پس از دیگری هستند. حضرت علی بن موسی الرضا در بیان فلسفه حضور امامان معصوم در میان مؤمنان در عصر پس از پیامبر، بر همین نکته بنیادی تصریح می‌کند و اهل بیت پیامبر را ضامن جریان درست آموزه‌های دینی در میان مؤمنان و نگاهبانان امین امانت الهی در میان مردمان دانسته است. (صدوقی، بی تا: ج ۲، ص ۱۰۱)

امام صادق نیز بر این مطلب تأکید می‌کند و می‌فرماید:  
 انا اهل البيت لم یزل الله یبعثُ فینا من یعلمُ کتابه من اوله الی آخره. (صفار قمی، ۱۳۷۴: ص ۲۱۴)

همواره خداوند در میان ما اهل بیت، کسی را بر می‌گزیند که کتابش را از آغاز تا انجام می‌داند.

ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

و عندنا والله عِلْمُ الْكِتَابِ كُلِّهِ. (کلینی، بی تا: ج ۱، ص ۳۳۳)

به خدا قسم همه علم قرآن نزد ماست؛

برخی از عالمان اهل سنت خواسته‌اند این نقش حیاتی اهل بیت را انکار کنند، (ابوزهره، بی تا: ص ۲۲۰)، ولی به دلیل تأکید روشن پیامبر بر این مهم بسیاری از اندیشه‌وران اهل سنت نیز همچون عالمان شیعی بر این نقش صحه گذاشته‌اند و با صراحت به طرح آن پرداخته‌اند. در این میان، دیدگاه عبدالکریم شهرستانی از عالمان شهیر اهل سنت، بسیار روشن‌گر است. وی معتقد است خداوند، علم قرآن را تنها نزد حاملانی از خاندان پاک پیامبر و برگزیدگانی از صحابه آن حضرت قرار داده است. آنان وارثان آن حضرت و یکی از دو «ثقل» و مجمع البحرین کتاب و سنت‌اند. ایشان هدایت‌گر امت و دانشوران راستین‌اند که همواره و همه جانبه در مقام تفسیر و تأویل آیات قرآن از آن پاسداری می‌کنند. شهرستانی در بخشی از بیان خود بر اتفاق نظر همه صحابه پیامبر بر اختصاص علم قرآن به اهل بیت تصریح می‌کند و می‌گوید:

صحابه بر این مطلب که علم قرآن مخصوص اهل بیت است اتفاق نظر داشتند؛ زیرا آنان از علی بن ابیطالب می‌پرسیدند: آیا شما اهل بیت جز به سبب قرآن بر ما برتری دارید. اینکه صحابه از چیز دیگری غیر از قرآن از آن حضرت می‌پرسند، خود دلیل بر اتفاق نظر آنان بر اختصاص علم قرآن (تنزیل و تأویل آن) به اهل بیت است. (شهرستانی، ۱۳۶۸: ص ۲).

افزون بر اینکه بر اهل بیت این نقش مهم همواره تصریح و تأکید کرده‌اند، شاگردان مکتب آنان نیز که به خردورزی شهره بوده‌اند، در مناظره‌های خود با منکران جایگاه اهل بیت اهل بیت، بر این نقش بی‌بدیل تأکید کرده‌اند. در این میان، مناظره منصور بن حازم با گروهی از مخالفان (صدوق، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۶۲۴ - ۶۲۸)، مناظره هشام ابن حکم با مرد شامی (کلینی، بی تا: ج ۱، ص ۲۴۰ - ۲۴۴)، همچنین مناظره ایشان با عمرو بن عبید (صدوق، همان: ص ۶۲۸ - ۶۳۴) خواندنی و تأمل برانگیز است. آنچه از این گونه مناظره‌ها به دست می‌آید، اهمیت نقش اهل بیت اهل بیت در کنار قرآن به منظور تبیین مفاهیم و آموزه‌های آیات وحی به فراخور نیازهای آدمیان در عصرهای پس از رسول خدا است.

لازم به یاد آوری است که مرجعیت علمی اهل بیت اهل بیت در تبیین آموزه‌های وحیانی، نه به آیات معین و نه به زمان مشخصی اختصاص ندارد، بلکه این مرجعیت فرا زمانی است. این

حقیقت را می‌توان به روشنی از حدیث ثقلین فهمید؛ زیرا در آن حدیث نخست بر پیوند قرآن و اهل بیت (به صورت مطلق) و نیز بر استمرار آن پیوند تا قیامت تصریح شده است.

ابن حجر هیتمی از عالمان اهل سنت، در باره استمرار پیوند اهل بیت با قرآن می‌گوید: در روایات تمسک به اهل بیت اهل بیت به این نکته اشاره شده است که همان گونه که قرآن تا قیامت جاودان است و لزوم تمسک به آن ابدی است، شایستگی اهل بیت پیامبر (ص) برای تمسک به ایشان نیز تا روز قیامت به قوت خود باقی است (ابن هیثم، همان: ص ۱۵۰).

وی در همین زمینه به حدیث دیگری از پیامبر گرامی استناد می‌کند:

فِي كُلِّ خَلْفٍ مِنْ أُمَّتِي عَدُولٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَنْفُونَ عَنْ هَذَا الدِّينِ تَحْرِيفَ الضَّالِّينَ وَانْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَتَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ أَلَا وَإِنَّ أُمَّتَكُمْ وَفَدَكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَانظُرُوا مَنْ تَوَفَّدُونَ. (همان: ص ۱۵۰)

علامه سید محسن امین (امین عاملی، ۱۴۰۰ق: ج ۳، ص ۱۳۶)، شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۷۶ق: ج ۱، ص ۴)، محمدحسین بروجرودی (بروجردی، ۱۳۹۹: ج ۱، ص ۷۵) و بسیاری از دین پژوهان دیگر بر این نکته تصریح کرده‌اند.

از آنچه گذشت افزون بر روشن‌گری جایگاه بی‌بدیل اهل بیت در تبیین آیات وحی، این نکته ظریف نیز به دست می‌آید که پشتوانه اهل بیت در این تبیین، اتصال آنان به ذخیره علم خداوندی است. این حقیقت را می‌توان از کنار هم نهادن آیه تطهیر إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (احزاب: ۳۳) و آیات شریفه إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ. (الواقعه: ۵۶) (۷۷-۷۹) به دست آورد. اگر آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» را آن گونه که برخی از مفسران (طباطبایی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۹، ص ۱۳۷) نظر داده‌اند و وصف برای «كِتَابٍ مَكْنُونٍ» قرار دهیم، در این صورت معنای سخن خداوند چنین می‌شود که تنها «الْمُطَهَّرُونَ» می‌توانند از كِتَابٍ مَكْنُونٍ که منبع اصلی قرآن است آگاه شوند. بنا به نص صریح آیه تطهیر، اهل بیت پیامبر از جمله «الْمُطَهَّرُونَ» هستند و در نتیجه، بر كِتَابٍ مَكْنُونٍ خداوند آگاهی دارند. این اتصال به ذخیره علم خداوندی، راز پیوند قرآن و اهل بیت و مرجعیت بی‌مانند آنان در تبیین درست وحی قرآنی در عصر خاتم است.

امام علی در بیان این حقیقت می‌گوید:

خداوند، آلودگی و زشتی را از ما خاندان دور کرد و از افتادن ما در دام گناه محافظت فرمود. ما گواه مردم و راهنمای آنان در زمین هستیم. ما همراه قرآن و قرآن قرین ما است و هرگز از هم جدا نخواهیم شد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۳، ص ۲۷۰)

از رسمیت یافتن سخنان اهل بیت در تبیین آیات وحی، بسیاری از مفاهیم کلی قرآن تفصیل می‌یابند؛ همان‌گونه که از همین رهگذر شماری از آموزه‌های عام و یا مطلق قرآن نیز تخصیص یا تقیید روبه‌رو می‌شوند و این، سرّی از اسرار پیوند قرآن و عترت در بستر زمان است.

## آموزش روش درست اجتهاد در آیات قرآن

توجه به دو مقدمه زیر، نقش تعلیمی اهل بیت را در اجتهاد روش‌مند در آیات قرآن نمایان می‌سازد:

الف) آیات فراوانی از قرآن کریم، همگان را اعم از مؤمنان و کافران، به ژرف اندیشی در آیات قرآن فراخوانده است. (ص (۳۸): آیه ۲۹؛ نساء (۴): ۸۲؛ محمد (۴۷): ۲۴؛ نحل (۵۶): ۴۴) بی شک، تدبیر همگان در قرآن، مقدمه‌ها، ابزار و سازوکارهای متناسب می‌طلبد.

ب) توفیق مراجعه پیوسته و بی‌واسطه به اهل بیت با هدف دریافت آموزه‌های بلند وحی، برای همه مؤمنان در هر زمان و مکان ممکن نیست؛ همان‌گونه که برای همه مؤمنان عصر حضور پیامبر نیز چنین توفیقی حاصل نبوده است.

با توجه به دو مقدمه بالا، آموزش روش فراگیر و سازوکار منطقی اجتهاد در آیات قرآن، از سوی اهل بیت که خود جامع علوم قرآن‌اند، ضرورت می‌یابد. با این روش، مؤمنان ژرف اندیش می‌توانند همواره در آیات قرآن تدبیر کنند و به تناسب زمان و نیازهای گوناگون آن، از هدایت‌های وحی بهره‌مند گردند. تدبیر در آیات قرآن، در پرتو روش تعلیمی اهل بیت، نوع خاصی از اجتهاد را پدید می‌آورد که در تفکر مبتنی بر ضرورت پیوند قرآن و اهل بیت، باب آن همواره گشوده بوده است. نخستین نکته‌ای که در روش تعلیمی اهل بیت در باره تفسیر آیات وحی دیده می‌شود، تشویق و ترغیب مؤمنان به ژرف اندیشی و اجتهاد در قرآن است. امام علی می‌فرماید:

وَتَعْلَمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ، وَتَفْقَهُوا فِيهِ فَانَّهُ رِبِيعُ الْقُلُوبِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰)

قرآن را بیاموزید که بهترین سخن است و در آن ژرف بیاندیشید که بهار دل‌هاست.

همچنین آن حضرت همواره جابر بن عبدالله انصاری را به علم و آگاهی توصیف می‌کرد. کسی با شگفتی پرسید: فدایت شوم، شما جابر را این‌گونه توصیف می‌کنید؛ حال آنکه خود در دانش سرآمد روزگار هستید؟ امام در پاسخ فرمود:

انه كان يعرف تفسير قوله تعالى: إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ (قصص (۲۸):

۸۵). (ارثر چفری، ۱۹۵۴م: ص ۲۶۲)

او تفسیر این سخن خداوند بزرگ را می‌داند که فرمود: آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد تو را به جایگاه خود باز می‌گرداند.

نکته دیگری که در روش تعلیمی اهل بیت در مراجعه روش‌مند به آیات قرآن دیده می‌شود «تحدیر» مدعیان از تفسیر ناآگاهانه و غیر روش‌مند آیات قرآن است. سخنان امام صادق خطاب به ابوحنیفه نمونه روشنی از این گونه تحدیرهاست. در گفت‌وگوی امام با ابوحنیفه، پس از آنکه وی مدعی شناخت قرآن شد، امام خطاب به ایشان فرمود:

ای ابوحنیفه! مدعی علم فراوانی شدی! وای بر تو، چنین علمی را خداوند جز نزد اهل کتاب قرار نداده است؛ آنان که قرآن بر ایشان نازل شده است. وای بر تو! علم کتاب جز نزد فرزندان پیامبر خدا نیست. خداوند تو را از کتابش ذره‌ای عطا نکرده است. (حر عاملی، ۱۳۶۷: ج ۱۸، ص ۳۰)

مانند همین تحدیر شدید در مناظره امام باقر با قتاده ابن دعامه، فقیه مردم بصره نیز دیده می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۴، ص ۲۳۸؛ حر عاملی، همان: ج ۱۸، ص ۱۳۶)

در شیوه تعلیمی اهل بیت، مراجعه به آیات قرآن و تفسیر آنها نه تنها تجویز شده، بلکه مورد تأیید قرار گرفته است. البته این تجویز، شرایطی دارد که تحصیل آنها پیش از گام نهادن به این عرصه پر مخاطره لازم شمرده شده است. افزودن بر شرایط عمومی همچون شناخت لغت و اسلوب کلام عربی، اسباب نزول، علوم قرآنی، منطق، بلاغت، سخنان پیشینیان، شرایط ویژه‌ای که در شیوه تعلیمی اهل بیت برای مراجعه و اجتهاد در آیات قرآن ضرورت می‌یابند، به قرار زیر است:

الف) تحصیل شناخت جامع به همه آیات قرآن و توجه به ارتباط معنایی برخی از آیات با برخی دیگر؛

ب) توجه به حضور اهل بیت در کنار قرآن و آگاهی به آنچه آنان در تفسیر آیات ارائه داده‌اند؛

ج) شناخت ظرافت‌های بسیار و ظاهر و باطن آیات، آن گونه که اهل بیت مؤمنان را بدان توجه داده‌اند؛

بامراجعه به آموزه‌های اهل بیت در تفسیر برخی از آیات قرآن، اهمیت این شرایط در نگاه اهل بیت در زمینه و اجتهاد در آیات قرآن به روشنی آشکار می‌شود.

تبیین حکم شکسته بودن نماز مسافر با استناد به آیات قرآن از سوی امام باقر (صدوق، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۴۳۴ و ۴۳۵)، بیان حکم قطع ید سارق با استناد به آیاتی از قرآن در حدیث امام جواد (حر عاملی، ۱۳۶۷: ج ۱۸، ص ۴۹۰)، تبیین مفاهیم بلند برخی از آیات قرآن از سوی امام باقر در گفت‌وگو با قتاده ابن دعامه (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۴، ص ۲۳۷ و ۲۳۸) نمونه‌هایی از تفسیر و اجتهاد روش‌مند در قرآن است که روش تعلیمی ویژه‌ای را پیش روی اندیشمندان قرآن پژوه می‌گذارد.

بی‌توجهی به عبرت پیامبر و روشی که آنان در تفسیر آیات قرآن پیش روی مؤمنان نهاده‌اند، سبب زایش و رشد استنباط‌های بی‌ضابطه و پراکنده و نیز ظهور مذهب‌ها و فرقه‌های گوناگون در تاریخ اسلام شده است. شکل‌گیری خوارج، باطنیه، مرجئه، صوفیه و ده‌ها فرقه دیگر در میان امت اسلامی، معلول همین بی‌توجهی است. امام علی آن‌گاه که ابن عباس را به سوی خوارج فرستاد تا با آنان مذاکره کند، با توجه به اجتهادپذیری قرآن از یک‌سو و اجتهاد غیر روش‌مند خوارج در آن از سوی دیگر، خطاب به ابن عباس چنین فرمود:

لَا تُخَاصِمُهُم بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وَجُوهِ (نهج البلاغه، نامه ۷۷)

با آنان با قرآن احتجاج نکن؛ زیرا قرآن به وجوه گوناگون تفسیر پذیر است.

پیامبر گرامی در زمان حیات، نگرانی جدی خویش را از پیدایش اجتهادهای بی‌ضابطه در مراجعه به آیات قرآن این گونه بیان کرده است:

أَكْثَرُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ يَنَاوِلُ الْقُرْآنَ يَضَعُهُ عَلَى غَيْرِ مَوَاضِعِهِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۹، ص ۱۱۲)

بیشترین نگرانی‌ام بر امتم پس از خود از کسانی است که قرآن را در دست گیرند و آن را نا بیجا تفسیر کنند.

## توجه دادن مؤمنان به وجود ظرافت‌ها در قرآن

نقش دیگری که اهل بیت در کنار قرآن ایفا کردند، توجه دادن به ظرافت‌ها و ویژگی‌های بسیاری است که آیات قرآن را از متن‌های دیگر متمایز ساخته‌اند. اهل بیت در یادآوری این ویژگی‌ها - چه آن‌گاه که خود به تفسیر پرداخته‌اند و چه آن‌گاه که یاد آور عظمت وحی الهی شده‌اند - از بیان هیچ نکته‌ای دریغ نورزیده‌اند. کلام ذیل از امام علی در این زمینه گویاست:

كِتَابُ رَبِّكُمْ فِيكُمْ، مُبَيَّنًّا حَالَهُ وَ حَرَامَهُ وَ فَرَائِضَهُ وَ فَضَائِلَهُ وَ نَاسِخَهُ وَ مَنْسُوخَهُ وَ رُخْصَتَهُ وَ عَزَائِمَهُ وَ خَاصَّةً وَ عَامَّةً وَ عِبْرَةً وَ امْتَالَةً وَ مُرْسَلَةً وَ مَحْدُودَةً وَ مُحْكَمَةً وَ مُتَشَابِهَةً، مَفْسَّرًا مَجْمَلَةً

و مَبِينًا غَوَامِضَهُ بَيْنَ مَا خُوذَ مِيثَاقُ عَلَيْهِ وَ مُوسَّعَ عَلَى الْعِبَادِ فِي جِهَلِهِ وَ بَيْنَ مُثَبَّتٍ فِي الْكِتَابِ فَرْضُهُ وَ مَعْلُومٍ فِي السُّنَّةِ نَسْخُهُ وَ وَاجِبٍ فِي السُّنَّةِ اخْذُهُ وَ مُرَخَّصٍ فِي الْكِتَابِ تَرْكُهُ وَ بَيْنَ وَاجِبٍ بَوَقْتِهِ وَ زَائِلٍ فِي مُسْتَقْبَلِهِ وَ مَبَايِنٍ مُحَارَمَةٍ مِنْ كَبِيرٍ أَوْ عَدَّ نِيرَانَهُ، أَوْ صَغِيرٍ أَرَصَدَ لَهُ غَفْرَانَهُ وَ بَيْنَ مَقْبُولٍ فِي ادْنَاهُ مُوسَّعٍ فِي اقْصَاهُ. (نهج البلاغه، خطبه ۱)

کتاب پروردگارتان میان شماست که بیان کننده حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، مباح و ممنوع، خاص و عام، پندها و مثلها، مطلق و مقید و محکم و متشابه است. عبارت مجمل خود را تفسیر و نکات پیچیده خود را آشکار می‌سازد. از واجباتی که آگاهی بر آنها را از بندگان میثاق گرفت و آنچه نا آگاهی به آنها را مجاز شمرد. بخشی از احکام دین در قرآن واجب شمرده شده است که ناسخ آن در سنت پیامبر آمده و بعضی از آن در سنت پیامبر واجب شده که در کتاب خدا ترک آن مجاز شمرده شده است. بعضی از واجبات موقتی بوده‌اند و در آینده وجوب آنها برداشته شد. محرّمات الهی از هم تفکیک شده‌اند. برخی کبیره‌اند که بر آنها وعده آتش داده و برخی صغیره‌اند که بر آنها وعده بخشش داده است. برخی از اعمال که اندکش مقبول و در انجام دادن بیشتر آن آزادند.

افزون بر این، اهل بیت همواره مؤمنان ژرف اندیش را به بطن آیات و لایه‌های گوناگون معانی موجود در ورای ظاهر آیات توجه داده‌اند. گرچه پیامبر اسلام برای نخستین بار مسلمانان را به ذویطون بودن آیات قرآن توجه داده است؛ ولی آنچه اهل بیت آن حضرت در تفسیر این حقیقت انجام داده‌اند، بسیار چشم‌گیر و راه‌گشا است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸۹)

آگاه ساختن مؤمنان به ذویطون بودن آیات قرآن سبب می‌شود اول اینکه مفسر قرآن: در دام جمود بر ظاهر آیات و سطحی نگری گرفتار نیاید؛ دوم اینکه: به تلاش پی گیر و روش‌مند برای رسیدن به پاسخ‌های مناسب وحی به نیازهای گوناگون معرفتی و معیشتی آدمیان در گذر زمان بپردازد.

با توجه به این مهم، راه برای تدبیر پیوسته در آیات قرآن و به جریان درآوردن وحی آسمانی در زندگی فردی و جمعی آدمیان در عصر پس از حضور پیامبر هموار می‌گردد و هیچ عصری و نسلی از موهبت وحی بی‌بهره نمی‌ماند.

اهل بیت با ایفای این نقش، افزون بر آنکه راه را بر هرج و مرج و در پیش گرفتن روش‌های بی‌مبنا در تفسیر قرآن بسته‌اند و فهم قرآن را کاری بس ظریف و روش‌مند معرفی کرده‌اند، دست‌یابی به آموزه‌های بلند قرآن را برای همه عصرها و نسل‌ها با کمک اجتهاد روش‌مند در ظاهر و بطن آیات مجاز شمرده‌اند و عالمان را بدان تشویق کرده‌اند.

## تلاش برای حفظ قرآن از تحریف

نخستین کسی که پس از رحلت پیامبر و با وصیت آن حضرت به گرد آوری قرآن همت گماشت، وصی ایشان، علی ابن ابیطالب بود. (سیوطی، بی تا: ج ۱، ص ۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹، ص ۴۰ - ۷۷)

گرچه این ابتکار ارزشمند در آغاز مورد توجه جامعه اسلامی قرار نگرفت، ولی سبب شد تا طرح گرد آوری قرآن و حفظ آن از رویدادهای روزگار، به عنوان یک تفکر اصیل و ضروری به سرعت در میان مسلمانان رواج یابد (معرفت، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۲۴۹). به گونه‌ای که امت اسلامی در نخستین سال‌های پس از رحلت پیامبر شاهد تلاش همه جانبه برای تدوین قرآن در قالب کتاب واحد بوده است. در عصر خلیفه سوم که اختلاف قرائت‌ها زمینه پراکندگی‌ها و اختلاف نظرهای امت اسلامی را در قرآن فراهم می‌ساخت، مسئله یگانگی مصحف‌ها به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر در میان مسلمانان ظهور یافت. در این برهه تاریخی امام علی با تأیید این ضرورت بر انجام آن تأکید ورزید و بدین وسیله، راه را بر هرگونه اختلاف و چند دستگی در امر قرآن بست (سیوطی، همان: ج ۱، ص ۵۹). علی در عصر خلافت خویش نیز مسلمانان را بر التزام به قرائت مرسوم بر اساس آنچه در عصر خلیفه سوم رواج یافته بود تشویق کرد و آنان را از هرگونه اصلاح حتی در اشتباه‌های نگارشی بر حذر می‌داشت تا بدین وسیله راه را بر هرگونه تحریف ببندد (معرفت، همان: ج ۱، ص ۲۸۹). بنا به برخی روایت‌ها آن گاه که شخصی نزد امام آیه شریفه «و طَلَحَ مَنْضُودٌ» (واقعه (۵۶): ۲۹) را قرائت کرد، امام به آرامی فرمود: «طَلَحَ چیست؟ طَلَحَ درست است؛ مانند سخن خداوند «وَزُرُوعٌ وَنَخْلٌ طَلَعَهَا هَضِيمٌ» (شعراء (۲۶): ۱۴۸) آنان که سخن امام را شنیده بودند از حضرت پرسیدند: آیا «طَلَحَ» را به «طَلَع» تغییر نمی‌دهید؟ امام با شدت این درخواست را مردود دانست و فرمود:

انَّ الْقُرْآنَ لَا يُهَاجَ الْيَوْمَ وَلَا يُحْرَكُ؛ (طبرسی، همان: ج ۹، ص ۳۳۰)  
قرآن هرگز در این عصر تغییر نخواهد کرد.

امامان معصوم پس از آن حضرت نیز همواره بر همین روال مشی کردند و هرگز اجازه ندادند آیات قرآن از آنچه در عصر پیامبر و سال‌های نخست پس از رحلت آن حضرت در جامعه اسلامی رواج یافته بود، تغییر یابد. بنا به تصریح برخی روایت‌ها، وقتی شخصی نزد امام صادق برخی از حروف قرآن را به صورتی غیر متعارف قرائت کرد، امام با شدت او را باز داشت و فرمود:

هرگز این گونه قرآن را قرائت نکن. قرآن را آن گونه که مردم می‌خوانند قرائت کن. (حر عاملی، همان: ج ۴، ص ۸۲۱)



امام صادق در جای دیگر با تأکید بر قرائت مشهور، می‌گوید:  
 اقرأوا كما یقرأ الناس. (همان) امام باقر نیز بر رد مشروعیت هرگونه اختلاف در  
 قرائت قرآن، چنین می‌فرماید:

القرآن واحدٌ نزل من عند واحدٍ ولكن الاختلاف یجئ من قبل الرواة. (عسکری، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ص ۲۶۴)  
 تأکید اهل بیت بر تعلیم و تعلم، کتابت، حفظ، تلاوت و قرائت قرآن و استماع قرآن،  
 نگاه در مصحف، تفسیر قرآن و تدبیر در آیات آن و نگهداری قرآن در خانه و حفظ کرامت  
 حاملان و حافظان قرآن و پرهیز از جدل در آیات آن (حر عاملی، همان: ج ۴، ابواب قرائة  
 القرآن) در تواتر و استمرار حضور چشم‌گیر قرآن در میان مسلمانان و مصون ماندن آن از  
 هرگونه تحریف بسیار اثر گذار بوده است.

اهتمام ویژه اهل بیت به امر قرآن و تلاش‌های پی‌گیر آنان برای حفظ آن ودیعه  
 آسمانی از هرگونه تحریف و تغییر، سبب گردید که اصحاب و شاگردان اهل بیت نیز  
 در این مسیر از هیچ تلاشی دریغ نورزند. از رهگذر همین اهتمام بی‌دریغ بود که در نیمه  
 دوم سده اول هجری، علامت‌گذاری حروف و کلمات قرآن انجام یافت (حجتی، ۱۳۸۴:  
 ص ۴۶۵) و بدین وسیله راه بر هرگونه تغییر سهوی یا عمدی در کلام الاهی بسته شد.  
 در حوزه قرائت نیز شاگردان مکتب اهل بیت همواره سرآمد همگنان خود بوده‌اند.  
 اصول، قواعد و فنون قرائت را آنان ابداع، تدوین و منتشر کردند. بسیاری از قاریان صاحب  
 مکتب که قرائت قرآن به نام آنان شناخته می‌شود، از اصحاب و موالیان اهل بیت بوده‌اند  
 و در مکتب آنان، درس آموخته‌اند. (معرفت، همان: ج ۲، ص ۲۴۹) قرائتی که از قرن دوم  
 هجری در میان مسلمانان رواج یافت و در عصر حاضر به عنوان یگانه قرائت معتبر قرآن در  
 جهان شناخته می‌شود، "قرائت عاصم به روایت حفص" است. حفص از اصحاب امام صادق  
 بوده است که قرآن را از استادش عاصم که از بزرگان شیعه در کوفه به شمار می‌آمد، فراگرفت.  
 او نیز از ابوعبد الرحمن سلمی از خواص اصحاب و شاگردان امیرالمؤمنین قرآن را فراگرفته  
 بود. (همان: ص ۲۵۰) بدین‌سان، قرائت معتبر و متواتر قرآن کریم از نظر سند، به امام علی  
 می‌رسد که وی نیز این قرائت را از رسول گرامی اسلام فراگرفته بود.

استمرار قرائت قرآن بر اساس قرائت پیامبر و رسمیت یافتن آن در میان امت اسلامی و  
 پس از آن در همه جهان سبب می‌شود که راه بر هر گونه تغییر و تحریف عمدی و سهوی در  
 کلام خداوند بسته شود. نقش این امر مهم را در جاودانگی قرآن نمی‌توان نادیده انگاشت.

## نتیجه گیری

موارد یاد شده روشن ترین ره آوردهای پیوند قرآن و اهل بیت است که نقش آن در مانایی و حیات قرآن در عصر پس از پیامبر بر هیچ اندیشمند با انصافی پوشیده نیست. پیوند ناگسستنی اهل بیت با قرآن، افزون بر آنکه سبب حفظ ظاهری این ودیعه آسمانی از هر گونه تحریف شده، باب معرفت آدمیان به آموزه‌های ناب و حیانی را نیز در همه دوره‌های تاریخ باز نگه داشته است. به رغم تلاش‌های بسیار دشمنان برای تحریف قرآن و نیز بروز آرای مختلف و پیدایش مذہب‌ها و فرقه‌های گوناگون در میان مسلمانان، در پرتو این پیوند مبارک جهانیان هم چنان شاهد در امان ماندن نص قرآن از هر گونه تحریف هستند.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، لسان العرب، ۱۹۹۶م، بیروت، دار صادر.
۳. ابوزهره، محمدابن تیمیه، بی تا، حیاته و عصره، آرائه و فقهه، قاهره، دارالفکر العربی.
۴. ابی السعود، محمدبن محمد، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م، تفسیرابی السعود، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۵. ارثر چفری، ۱۹۵۴م، مقدمتان فی علوم القرآن، مصر، مکتبة الخانجی.
۶. امین عاملی، سید محسن، ۱۴۰۰ق، ۱۹۸۰م، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۷. بروجردی، حسین، ۱۳۹۹ق، جامع احادیث الشیعه، قم، المطبعة العلمیة.
۸. بلاغی، محمدجواد، ۱۳۷۸، آلاء الرحمن فی تفسیرالقرآن، قم، مؤسسه البعثة.
۹. حجتی، محمدباقر، ۱۳۸۴، تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر فرهنگ اسلامی، چاپ ۲۱.
۱۰. حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۳۶۷، وسائل الشیعه، تهران، المکتبة الاسلامیة.
۱۱. راغب اصفهانی، ۱۹۹۶م، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، ذوی القربی، ۱۴۱۶ق.
۱۲. سیوطی، جلال الدین، بی تا، الأتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، ۲۰۰۱م، الدر المنثور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۴. الشریف الرضی، محمدبن حسین، ۱۳۸۳، نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، سوم.
۱۵. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، ۱۳۶۸، مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار، تهران، نشر نسخ خطی.
۱۶. صدوق، محمدبن علی، بی تا، عیون اخبار الرضا، تهران، انتشارات جهان.
۱۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۲، معانی الأخبار، عبدالعلی محمد شاهرودی، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۱۸. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۴ق، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، علل الشرایع، تحقیق: محمدجواد ذهنی، قم، انتشارات مؤمنین.
۲۰. صفارقمی، محمدبن فروخ، ۱۳۷۴، بصائر الدرجات الکبری، تهران، منشورات اعلمی، چاپ ۲.
۲۱. طباطبائی، محمدحسین، ۱۴۱۴ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۴.

۲۲. طبرسی ، فضل ابن حسن، بی تا، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفة.
۲۳. طوسی، محمدبن حسن، ۱۹۸۷م، التبیان فی تفسیرالقرآن، نجف، المطبعة العلمية، ۱۳۷۶ق.
۲۴. عبد الباقي، محمد فؤاد، ۱۳۶۴ق، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره، دارالکتب المصریه.
۲۵. عسکری، سید مرتضی، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۳م، القرآن الکریم و روايات المدرستین، قم، کلیه اصول الدین، ۲.
۲۶. عیاشی، محمدبن مسعود، بی تا، تفسیر العیاشی، تهران، المكتبة العلمية الإسلامية.
۲۷. فخر رازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م، مفاتيح الغیب، بیروت داراحیاء التراث العربی.
۲۸. الفراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۲۵ق، کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرای، تهران، اسوه.
۲۹. فیروزآبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب، بی تا، القاموس المحیط، بیروت، دارالجمیل.
۳۰. کلینی، محمدبن یعقوب، بی تا، اصول کافی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۲. محمدی ری شهری، محمد، ۱۴۲۱ق، موسوعة الامام علی ، قم، دارالحديث.
۳۳. معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۷ق، التمهید فی علوم القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. هیشمی، احمدبن حجر، بی تا، الصواعق المحرقة، مصر، مكتبة القاهرة.